

## باب ششم - لوح مباحله

جمال قدم جل جلاله میفرماید قوله تعالی :

“ معلوم احباء الله بوده باشد که یومی از ایام سید دجال بمکر جدیدی قیام نموده بجهة القای شبهه در قلوب عباد باری در ادرنه نزد اعجام شهرت داده که ما امروز قرار گذارده ایم که بیایند در مسجد سلطان سلیم و ما هم حاضر شویم و اظهار حقیقت خود را نمائیم تا آنکه حق از باطل ممتاز شود و میر محمد شیرازی از این فقره مطلع شده و بعرض جناب آقای آقا میرزا محمد قلی رسانید و ایشان در ساحت اقدس امنع ارفع ابهی معروض داشته و چون که ایشان مطلع شدند در ساعت حرکت فرمودند و عازم مسجد مذکور گردیدند باری زیاد تفصیل دارد بقدر اخبار قدری ذکر میشود باری فرمودند به میر محمد برو حضرات را اخبار نما که ایشان در مسجد انتظار دارند چونکه میر محمد مذکور آن ملعون را اعلام نمود متعذر شد که امروز ممکن نمیشود قرار باید بروز دیگر گذاشت و بعد میر محمد گفته بود بآن خبیث که تو خود این فقره را اختیار نمودی و تو مایل این امر شدی و تو سند نوشته ای که هر که امروز حاضر نشود باطل است و بر حق نیست آخر بچه حرف شما اعتبار باید نمود الحاصل آن روز ایشان تا قریب بغروب در مسجد تشریف داشتند و آن خبیث طفره زد و نیامد و در حین مرور در سوق مخاطبا لمیر محمد لسان الله باین آیات قدس صمدانی ناطق گردید و کل خلق همه میشنیدند و از نزول این متحیر شده‌اند و این است مضمونات آن که ذکر میشود فلما سمعنا خرجنا عن البیت بسطان مبین و قلنا

یا محمد خرج الروح عن مقره و خرجت معه ارواح الاصفیاء ثم حقایق المرسلین انک اذا فاشهد اهل منظر الاعلی فوق رأسی ثم فی قبضتی حجج النبیین فافتح عیناک هذا لعلی ثم محمد رسول الله قد طلع عن افق البیت بسطان مبین و اتاکم بكل الآیات من لدی الله المقدر القدر قل لو یجتمع کل من علی الارض من العلماء و العرفاء ثم الملوک و السلاطین اننی لاحضر تلقاء وجوههم و انطق بآیات الله الملک العزیز الحکیم انا الذی لا اخاف من احد و لو یجتمع علی کل من فی السموات و الارضین قد خضعت الایات لوجهی و خشعت الاصوات لنغماتی الابدع البدیع هذا کفی قد جعله الله بیضاء للعالمین و هی عصای لو نلقیها لتبلع کل الخلیق اجمعین کلما خلق بین السموات و الارض عند ربک کقبضة من الطین انک انت یا محمد اذهب الی ملاً المشرکین و قل قد جائکم الغلام و معه جنود الوحی و الالهام و یمشی قدماه ملکوت الامر ثم عن ورائه قبائل ملاً الاعلی ثم سکان مداین البقاء ثم ملائکة المقربین قل خافوا عن الله و لا تعترضوا علی الذی بامرہ قدر کل امر حکیم اذا فاحضروا بین یدی الله بحبالکم و عصیکم و ما کان عندکم لو انتم من القادرین انا نذهب الی بیت الله الذی بناه احد من الملوک و سمی بالسلیم و اننی وحده قد جنتکم

عن مطلع البقاء نبأ الاعظم العظيم و اتوقف الى ان تغرب الشمس في مغربها لعل يستحین المعرضون في انفسهم و يكونون من التائبين ثم اعلم بان الله حرم على احباء الله لقاء المشركين و المنافقين و لكن انا خرجنا عن البيت متوكلا على الله ناظرا الى شطر الامر لعل يتنبه بذلك عباد الله الغافلون و الذين كفروا او اشركوا اولئك لن يؤمنوا بالله و لو يأتيهم بصحائف القدس او بجنود الغيب او بحجج المرسلين

الخ الى قوله تعالى :

ان الذى اتخذه المشركون ربا لانفسهم و اعترضوا به على الله المقتدر العزيز الجميل انه كان كاحد من عبادى و كان يحضر تلقاء الوجه فى كل بكور واصيل و هبت عليه من شطر نفسه ارياح الهوى بما اكتسبت يداه الى ان حركته عن مقره و اتركه فى اسفل السافلين انا اشتهرنا اسمه بين العباد بحكمة من لدنا و ان ربك لهو الحاكم على ما يريد”

و ديگر آنکه حسن آقا نامی است در آن ارض و تنباکو فروش است سيد دجال باين فقره مذکور با او مع بودند و سند را باطلاع او مرقوم داشته اند باری در حقیقت آن روز حق بالغ و کامل شد بل ابلغ و اکمل گردید و چونکه مير محمد آمد خدمت جمال الله و معروض داشت که آن ملعون را که ميرزا يحيى باشد اخبار نمودم که ایشان در مسجد منتظرند که تو بيائى و اظهار حقیقت خود نمائى آن لعین ذکر کرد که امروز موقوفست قرار بروز ديگر بگذاريد بعد لسان الله بتکلم آمد

که عند الله عدم حضور آن نفس شرور معلوم مقصود اتمام حجت بود اگر چه اتمام حجت او از اول لا اول بر اين منکرين جمال رب العالمين شده و جمال الله خارج از جامع گردیده از اتفاقات دکان حسن آقاى مذکور در محل عبور طلعت مبارک واقع بود بعد از وصول بدکان لسان الله فرمود بنا بقراری که حضرات سند داده بودند طلعت رحمن حاضر و مشرکين قرار خود را انکار کردند و روز بعد اين توقيع منيع باسم حسن آقا صادر و آن ملعون مطلقا مشعر نشده و صورت توقيع مبارک اين است :

**بسم الله الرحمن الرحيم**

هذا كتاب من هذا الغلام الى من على الارض اجمعين ان لا تعبدوا الا الله الملك العلى العظيم كذلك نزل الامر فى كل الالواح من لدن مقتدر قدير و بعد قد سمعنا بان المعرضين ارادوا ان يحضروا بين يدى الغلام قل ان احضروا و لا تكونن من المتوقفين و جعلنا محل الحضور بيت الله الذى بناه احد من السلاطين و انه سمى بالسليم فى ملكوت الاسماء لو انتم من العارفين و

قدرنا يوم اللقاء يوم الاحد و الاثنين و كان الله على ما اقول شهيد لو يجتمع كل من على الارض  
ليأتيهم الغلام انه ما اراد به ربكم العالم الحكيم” انتهى